لطفاً ببخشید!

آداب معذرت‌خواهی تأثیرگذار و اصولی را بشناسیم

۱۰

مردم به ساخت ایران اعتماد دارند

دیدار با کارآفرینی که برای ۲۵۰نفر شغل ایجاد کرده و طرفدار تولید وطنی است

۱۲

مهدی طارمی را در بوشهر کشف کردم

خاطره‌بازی با ناصر ابراهیمی که بیش از نیم‌قرن در فوتبال ایران مربیگری کرده است

۱۵

همشهری هفتم

پنجشنبه ۱۶ تیر ۱۴۰۱ ■ ۷ ذی‌الحجه ۱۴۴۳ ■ شماره ۱۶۹

عکس: مناعادل

موسیقی باید امیدواری ببخشد

سیدحسام‌الدین سراج، نوازنده و خواننده موسیقی ایرانی، از حال و هوای هنر در این روزها می‌گوید

نیلوفر ذوالفقاری

از روزهایی که حسام‌الدین سراج، کودکی باذوق بود که پای رادیوی خانه‌شان در اصفهان، منتظر پخش تکنوازی نی استاد حسن کسایی و تار استاد جلیل شهناز می‌نشست، سال‌ها گذشته و آن جوانی که دنبال معروف‌شدن نامش در دنیای موسیقی نبود، حالا به یکی از معروف‌ترین نام‌ها در موسیقی سنتی ایرانی تبدیل شده است. هنرمندی که معتقد است موسیقی سنتی در دهه‌های گذشته گام‌های مثبتی برداشته، می‌گوید که موسیقی باید همزمان با بیان حرف مردم، به آنها امیدواری بدهد. گفت‌وگوی این چهره شناخته‌شده موسیقی ایرانی را با روز هفتم از دست ندهید.

به‌نظر شما موسیقی سنتی ما هم‌اکنون، چه جایگاه هنری و اجتماعی دارد؟

اصولا وقتی درباره هنر صحبت می‌کنیم، باید درباره کیفیت آن حرف بزنیم نه کمیت آن. امروز ممکن است کسی در آفریقا یک موسیقی جالب بسازد، حرکات آکروباتیک برای آن طراحی کند و در فضای مجازی میلیون‌ها بار دیده شود، اما این کار فقط توانسته جلب توجه کند و داشتن این تعداد بیننده، دلیل ارزشمندبودن کار نیست. من معتقدم موسیقی ایرانی، بالذات ارزشمند است. از نظر ملودی سالیان سال صیقل و پرداخت خورده تا به اینجا رسیده و آثار باکلام آن، با بزرگانی چون حافظ، سعدی، مولوی، نظامی و سنایی در ارتباط است که خودشان مبنای فرهنگ ما هستند. نگاه و قضاوت ما درباره هنر باید کیفی باشد و اگر از این دیدگاه نگاه کنیم، خیلی به موسیقی ایرانی امیدوارم.

این امیدواری شما از کجا می‌آید؟

جوانانی که در موسیقی ایرانی فعالیت می‌کنند، در راهشان بسیار جدی هستند. در موسیقی پاپ هم جوانان زیادی فعالیت می‌کنند اما آنقدرها جدی نیستند و کار برایشان بیشتر سرگرمی و تفریح است. اما در موسیقی ایرانی، جوانانی هستند که برای این هنر سرمایه‌گذاری ذهنی و زمانی دارند، آثار مختلف را تحلیل می‌کنند و با استادان مختلف در ارتباط هستند. به همین دلیل هم در رابطه با موسیقی ایرانی، برای من جای بسی امید است.

به‌نظر شما موسیقی ایرانی در دهه‌های گذشته چه گام‌های مثبتی برداشته است؟

بعد از پیروزی انقلاب، موسیقی بیشتر مارش و نوعی از موسیقی بود که با جنگ تناسب داشت. به مرور به طرف نوعی از موسیقی حرکت کردیم که سازبندی آن، موسیقی سنتی بود. در دهه ۶۰، گام‌های بسیار ارزشمندی در موسیقی سنتی برداشته شد و فکر می‌کنم این دهه، یک دهه طلایی برای موسیقی ایرانی است. بزرگانی مثل استاد محمدرضا شجریان و استاد محمدرضا لطفی جزو استادانی هستند که در این دهه فعالیت می‌کردند. در دهه ۷۰، به‌تدریج موسیقی به طرف موسیقی آزاد و بعد کلام آزاد حرکت کرد. هم‌اکنون کلام در موسیقی آنقدر آزاد شده که گاهی وقتی موسیقی پخش می‌شود، نگران فرزندانمان می‌شویم که قرار است چه کلامی را بشنوند! هم از نظر ضعف ادبی و هم از نظر مضمون، این کلام جای بحث دارد، نوعی که الان مد شده، در واقع وارد فضای تجارت شده است. فکر می‌کنم آرام آرام در حال فاصله گرفتن از موسیقی ارزشمند هستیم.

در سال‌های اخیر اتفاق مثبتی در پیوند موسیقی با ادبیات افتاده و این نوع موسیقی، از اشعار و ترانه‌هایی که برای مخاطب ملموس‌تر است، استفاده می‌کند. نظر شما چیست؟

فراموش نکنیم که ترانه‌سراها، شعرای زمان ما هستند و ترانه‌سرایی کار ساده‌ای نیست. ترانه‌سرا شأن و جایگاه ویژه‌ای دارد، درحالی‌که ما ترانه‌سرایانی مثل بیژن ترقی، معینی کرمانشاهی، نواب صفا و قیصر امین‌پور داریم که کارشان از نظر ادبی و فنی ارزشمند است و موسیقی ایرانی هم بسیار از آنها بهره‌برده است. نکته‌ای در ادبیات ما وجود دارد که آن را از ادبیات کشورهای دیگر متفاوت می‌کند. اگر انگلیسی‌زبان باشیم و بخواهیم آثار شکسپیر را در ادبیات انگلیس بخوانیم، باید سراغ یادگرفتن یک زبان مخصوص برویم و دوره ببینیم تا بتوانیم آثار این نویسنده را بخوانیم. اما در ادبیات فارسی این اتفاق نمی‌افتد. در ترانه‌ای که معینی کرمانشاهی می‌سراید، قرابت معنایی با شعر حافظ پیدا می‌کنیم. جوان امروزی شعر حافظ را هم متوجه می‌شود چرا که ادبیات آن تفاوت فاحش با امروز ندارد و به‌نظرم این، شانس زبان و ادبیات ماست. یک ترانه‌سرای امروزی می‌تواند ترانه‌ای بگوید که مضمونش با شعر حافظ نزدیک باشد و مردم هم به خوبی با آن ارتباط برقرار کنند.

خودتان برای اینکه یک ترانه را بپذیرید و برای آن موسیقی بسازید، چه ویژگی‌هایی را در اولویت قرار می‌دهید؟

من کمی نسبت به ادبیات وسواس دارم و دوست دارم کاری که انتخاب می‌کنم، قوی باشد. قرار است روی آن ترانه موسیقی ساخته شود و در آینده باقی بماند. اخیرا شعری از حسین منزوی خواندم که به‌نظرم بسیار جالب و البته متناسب با موضوعات امروز بود: «نام من عشق است آیا می‌شناسیدم؟/ زخمی‌ام، زخمی سراپا می‌شناسیدم؟/ من همانم مهربان سال‌های دور/ رفته‌ام از یادتان یا می‌شناسیدم؟» همین امروز هم ما از عشق حرف می‌زنیم و عشق را دستمایه کارمان قرار می‌دهیم. این مضمون امروز هم مورد توجه است. من معمولا در آثار شعرای معاصر گشت می‌زنم، اشعار استاد هوشنگ ابتهاج و محمدرضا شفیعی کدکنی، قیصر امین‌پور، سیدحسن حسینی و سهراب سپهری را بسیار دوست دارم. دامنه شعر آنقدر در ایران گسترده است که به اهل موسیقی امکان انتخاب می‌دهد. مضمون و صنعت شعر برای من مهم است.

وقتی قدم به دنیای موسیقی گذاشتید، چه تصوری از این راه داشتید و اوضاع چقدر شبیه تصور اولیه شما پیش رفت؟

فکر می‌کنم هنرمند، شباهتی به بچه‌ها دارد و در لحظه زندگی می‌کند. هنرمند اگر از یک کار هنری لذت ببرد، آن را انجام می‌دهد. منظورم هنرمند به مفهوم واقعی کلمه است، وگرنه بعضی افراد با هنرشان تجارت می‌کنند و به مصلحت پول و قدرت کار می‌کنند. وقتی من در کودکی به موسیقی علاقه‌مند شدم، در اصفهان زندگی می‌کردیم. یک رادیو داشتیم که از آن برنامه گل‌ها و تکنوازی‌ها پخش می‌شد. نی استاد کسایی، ویولن رحمت‌الله بدیعی و تار جلیل شهناز آنقدر برای من جذاب بود که همیشه پای رادیو نشسته بودم و گوش می‌دادم. در همان سن کودکی، روی میز چوبی زیر رادیو، ضرب می‌گرفتم. پدرم از دور مرا دید و تشویقم کرد که به کلاس تنبک بروم. کم‌کم سراغ یادگیری سنتور رفتم و بعد که برای تحصیل به تهران آمدم، در کلاس فرامرز پایور، رضاشفیعیان و پشنگ کامکار شرکت کردم. همه‌چیز صرفا علاقه بود و به اینکه در آینده چه اتفاقی می‌افتد، فکر نمی‌کردم. همانطور که شاعر می‌گوید: «رشته‌ای بر گردنم افکنده دوست/ می‌برد آنجا که خاطرخواه اوست». هنرمند به بعد فکر نمی‌کند، دنبال علاقه هنری خود می‌رود، گاهی به نتیجه خوب می‌رسد و گاهی هم نه.

چه چیزی شما را در دنیای موسیقی شگفت‌زده کرد؟

ساز استاد کسایی برایم بسیار شگفت‌انگیز بود. سازهای دیگر پرده دارند و کوک می‌شوند اما نی، ساز سرکشی است و آثاری که استاد کسایی ساخته، شگفت‌انگیز است. بسیار خوش‌ذوق و خوش‌صحبت بود و اشعار زیادی را از حفظ می‌خواند.

نسل جوانی که امروز در موسیقی سنتی فعالیت می‌کنند، با زمان جوانی شما چه تفاوتی دارند؟

همان تفاوتی را دارند که زمانه آنها با زمانه ما دارد. جوان امروزی ۲فضا در اختیار دارد، فضای مجازی هم برای آنها دنیایی واقعی است. جوانان امروزی سعی می‌کنند هم خوب ساز بنوازند و هم خوب دیده شوند، درحالی‌که ما در جوانی چندان علاقه‌ای به دیده‌شدن نداشتیم. برایمان مهم نبود اسم ما روی یک اثر نوشته شود یا نه؟ شور و شوق دیده‌شدن نداشتیم. جوانانی که امروز در موسیقی، چه پاپ و چه سنتی فعالیت می‌کنند، بااستعداد هستند. فرقی نمی‌کند که موسیقی از چه نوعی باشد، هر اثری که خوب و قوی باشد ارزشمند است.

به‌نظر شما در روزگار سخت، موسیقی در چه جایگاه اجتماعی می‌ایستد؟ آیا می‌تواند همچنان مورد توجه و پناه مخاطبانش باشد؟

موسیقی، چه از نوع باکلام و چه بی‌کلام، می‌تواند آرامش ببخشد. مشکل بزرگ جامعه امروز ما، ناامیدی است. موسیقی باید ناامیدی را از مخاطب بگیرد و به او شور و شوق و امید برای ساختن آینده بدهد. متأسفانه فضای روشنفکری ما صرفا منفی است و فقط از ناامیدی حرف می‌زند، اما سؤال اینجاست که تو به‌عنوان یک روشنفکر و یک فرد مفید برای جامعه، چه کاری از دست‌ات برمی‌آید؟ در عالم هنر باید به این نکته توجه کنیم که هنر در عین بیان درد مردم، باید به آنها امید بدهد و به‌نظرم موسیقی در برهه‌های مختلف، این کار را کرده است. موسیقی و شعر، زبان مردم است و اگر مشکلی در جامعه وجود دارد، موسیقی می‌تواند هم راهی برای بیان درد مردم باشد، هم آنها را تسکین دهد و هم امیدی برای آینده ایجاد کند.

این روزها مشغول چه کاری هستید؟

مجموعه‌ای با اردشیر کامکار ساخته‌ایم که به زبان کردی، فارسی و ترکی ساخته شده است. کنسرتی هم از این مجموعه در تبریز داشتیم. قصدمان از این کار این بود که بگوییم فرهنگ‌های مختلف، ریشه‌های مشترک دارند. آخرین کاری که منتشر کردم «شکوه وطن» نام دارد که شعر آن از کاوه مهیار است و با گروه بیدل کار کردیم.

خاطره

راه هنر و سیاست از هم جداست

سال گذشته من به کرونا مبتلا شدم و در بیمارستان بستری بودم. جوانی با من تماس گرفت و درباره دیدار با یک سیاستمدار حرف زد، می‌خواست با چند نفر دیگر از اهالی موسیقی برای صحبت درباره مطالبات اهل هنر به این دیدار برویم. وقتی گفتم بیمارم و در بیمارستان، تماس را قطع کرد، بدون اینکه جویای حالم باشد! آنجا به این موضوع فکر کردم که اهل سیاست، هنر را فقط یک وسیله می‌بینند و عالم سیاست، با اهل هنر ناسازگار است. هنرمند، منادی حرف مردم در جامعه است و براساس مصلحت قدم برنمی‌دارد. واقعیت این است که سیاست و هنر ۲راه متفاوت دارند. هنرمند اهل دل است، مصلحت‌بین نیست و نگاهش با اهل سیاست فرق دارد. کم پیدا می‌شود سیاستمداری که نگاه درستی به هنرمند داشته باشد. امیدوارم در آینده این وضعیت تغییر کند و ارتباط هنرمند با جامعه را قطع نکنند.

در موسیقی ایرانی، جوانانی هستند که برای این هنر سرمایه‌گذاری ذهنی و زمانی دارند، آثار مختلف را تحلیل می‌کنند و با استادان مختلف در ارتباط هستند. به همین دلیل هم در رابطه با موسیقی ایرانی، برای من جای بسی امید است

موسیقی

۵نفر از هنرمندانی که موسیقی سنتی را زنده نگه داشته‌اند

امیدهای جوان آواز ایرانی

همایون شجریان
متولد ۱۳۵۴
۳۸ آلبوم

این شب‌های تیرماه کنسرت همایون شجریان برپاست؛ کنسرتی که بلیت‌های آن در همان دقایق اول تمام شد و با وجود تمدید برای شب های متوالی، باز هم استقبال مخاطبان فراتر از انتظار بود. همایون شجریان، فرزند چهره ماندگار موسیقی، استاد محمدرضا شجریان، در سال ۱۳۵۴ به دنیا آمد. دور از انتظار نبود که تولد در خانواده‌ای اهل هنر، ذوق موسیقی را در دل او بیدار کند. آواز را از پدرش آموخت و سراغ یادگیری موسیقی رفت و وارد هنرستان موسیقی شد. در دهه ۷۰ پدرش را در کنسرت‌های خارجی و داخلی همراهی کرد و او را به‌عنوان همخوان روی صحنه‌ها دیدیم. همایون شجریان کنسرت‌های بسیاری را با چهره‌های شناخته‌شده موسیقی ایرانی اجرا کرده و آثار زیادی را به همراه آنان در ایران و جهان منتشر کرده‌است که از آنها می‌توان به آلبوم کنسرت‌های «بی تو به‌سر نمی‌شود» و «فریاد» اشاره کرد. هر دوی این آلبوم‌ها نامزد دریافت جایزه گرمی شدند.

علیرضا قربانی
متولد ۱۳۵۱
۳۰ آلبوم

صدای علیرضا قربانی با ترانه‌های شنیدنی، در حافظه شنیداری طرفداران موسیقی سنتی ماندگار شده است. او در سال ۱۳۵۱ به دنیا آمد، از کودکی فراگیری قرائت قرآن را آغاز کرد و سال‌ها این فعالیت را ادامه داد. در سال ۱۳۶۳ آموختن ردیف‌های آوازی، تلفیق شعر و موسیقی، بینش و زیبایی‌شناسی در آواز را آغاز کرد. از سال ۱۳۷۸ به‌عنوان خواننده ارکستر ملی ایران به رهبری فرهاد فخرالدینی به اجرای برنامه‌های متعدد در داخل و خارج از کشور پرداخت. وی در عرصه بین‌المللی و در بسیاری از فستیوال‌های دنیا در آسیا، اروپا و شمال آفریقا حضور داشته‌است. ۲آلبوم او به نام‌های «جلوه گل» با همراهی داریوش طلایی و «سودایی» به‌آهنگسازی سامان صمیمی در اروپا منتشر شده‌اند. «با من بخوان» یک پروژه موسیقی الکترواکوستیک است که علیرضا قربانی به‌همراه حسام ناصری آن را از اواخر سال ۹۷ با انتشار قطعه‌ای به نام «نیست شو» آغاز کردند. برای بینندگان تلویزیون، خاطره تیتراژ سریال «شب دهم» با صدای قربانی ماندنی است.

سالار عقیلی
متولد ۱۳۵۶
۱۰ آلبوم

«وطنم‌ای شکوه پابرجا»؛ نام سالار عقیلی با این ترانه گره خورد و برای همیشه در خاطرات باقی می‌ماند. او در سال ۱۳۵۶ به دنیا آمد. از ۸سالگی فراگیری موسیقی را با نوازندگی سازهای مختلف آغاز کرد. برادر و مادرش علاقه‌مند به موسیقی و مشوق او بودند و پدرش که وکیل دادگستری بود بیشتر متمایل به پیشرفت تحصیلی او بود. او به هنرستان موسیقی رفت و از همانجا تصمیم به یادگیری آواز گرفت. او طی بیش از ۵سال نزد صدیق تعریف به فراگیری آواز پرداخت. در جشنواره موسیقی فجر سال ۱۳۷۵ سالار عقیلی در سن ۱۸سالگی، برای نخستین‌بار روی صحنه آمد. عقیلی سابقه همکاری با ارکستر موسیقی ملی ایران، ارکستر سمفونیک اصفهان، گروه دستان، گروه راز و نیاز و ارشد تهماسبی را دارد. سالار عقیلی سرود ایران جوان را با اجرای ارکستر ملل خوانده‌است. هم‌اکنون علاوه بر اجرا و ضبط آثار موسیقی، به تدریس در آموزشگاه‌های موسیقی و نیز تدریس در هنرستان موسیقی مشغول است.

محمد معتمدی
متولد ۱۳۵۷
۲۷ آلبوم

بین خوانندگان جوانی که آواز ایرانی را انتخاب کرده‌اند، محمد معتمدی جزو آن دسته هنرمندانی است که یادگیری آواز و ساز نی را به‌صورت خودآموز از نوجوانی آغاز کرد. او در سال ۱۳۵۷ در کاشان به دنیا آمد. خانواده‌اش چندان گرایشی به موسیقی نداشتند. از سال ۱۳۷۶ شروع به فراگیری شیوه آواز طاهرزاده نزد حمیدرضا نوربخش کرد. او همچنین به سبب گرایش و علاقه‌ای که به مکتب آواز اصفهان داشت، همزمان به تمرین و الگوبرداری از آواز استادانی چون تاج اصفهانی و ادیب خوانساری پرداخت. اکسپوی موسیقی «بابل مد» که همه‌ساله در شهر مارسی فرانسه برگزار می‌شود، عهده‌دار اهدای جایزه سال رادیو فرانسه است. معتمدی در سال ۲۰۱۳ میلادی از سوی رادیو بین‌المللی فرانسه به‌عنوان خواننده منتخب در رشته موسیقی ملل معرفی شد و جایزه فرانس‌موزیک ۲۰۱۳ را دریافت کرد. معتمدی در سال‌های اخیر علاوه بر فعالیت در حوزه موسیقی ردیف دستگاهی ایران در حوزه‌هایی چون موسیقی پاپ هم فعالیت کرده و آثار مختلف او در این زمینه با استقبال مخاطبان روبه‌رو شده است.

حجت اشرف‌زاده
متولد ۱۳۵۸
۴ آلبوم

«تو ماهی و من ماهی این برکه کاشی»؛ احتمالا برای بیشتر مخاطبان موسیقی، نام حجت اشرف‌زاده نخستین بار با این ترانه شناخته شده است. حجت اشرف‌زاده در سال ۱۳۵۸ به دنیا آمد. با لحن‌ها و آواهای موسیقی ایرانی نزد پدر آشنا شد. ردیف آوازی را نزد رضا شاکری و صداسازی را نزد حمیدرضا نوربخش آموخت. علاقه‌اش به پدربزرگ مادری، تابستان‌ها او را به بیرجند می‌کشاند تا از همان سه‌چهارسالگی آواز خوش پدربزرگ، در چاووشی‌خوانی‌های خاص بیرجند، گوشه‌های نغمات افشاری را در ذهنش ماندگار کند. بعدها مدتی از راهنمایی‌های محمدرضا شجریان استفاده کرد و با فنون آوازی و ردیف تحلیلی آواز ایران در سال ۱۳۸۵ نزد محمدرضا لطفی آشنا شد. همچنین فنون تصنیف‌خوانی و هم‌آوایی را از محسن نفر و پرویز مشکاتیان آموخت. آلبوم ماه و ماهی با صدای حجت اشرف‌زاده در صدر جدول فروش فروشگاه‌های معتبر موسیقی در کشور قرار گرفت.